خبر

پیشبرد برنامه کره شمالی با حمله سایبری به منابع رمزارز

● براساس یک گزارش محرمانه سازمان ملل متحد، کره شمالی سال گذشته در حالی به توسعه برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک خود ادامه داده که یک منبع مهم درآمد آن کشور، حملات سایبری به صرافی‌های ارزهای دیجیتال بوده است. خبرگزاری رویترز براساس گزیده‌ای از این گزارش محرمانه که روز شنبه مشاهده کرده، در خبری اختصاصی به این موضوع پرداخته است. این گزارش محرمانه، گزارش سالانه ناظران مستقل تحریم‌ها بود که عصر روز جمعه به کمیته تحریم‌های کره شمالی در شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه شد. کارشناسان در این گزارش آورده‌اند: «هیچ آزمایش هسته‌ای یا پرتاب موشک‌های بالستیک قاره‌پیما انجام نشده، اما کره شمالی به توسعه توانایی خود برای تولید مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای [مورد نیاز برای بمب اتمی] ادامه داده است». شورای امنیت سازمان ملل متحد، کره شمالی را از انجام آزمایش‌های هسته‌ای و پرتاب موشک‌های بالستیک منع کرده، اما براساس این گزارش، «تعمیر و توسعه زیرساخت‌های موشکی و هسته‌ای این کشور ادامه داشته و کره شمالی به جست‌وجوی مواد، فناوری و دانش برای این برنامه‌ها در خارج از کشور، از جمله از طریق ابزارهای سایبری و تحقیقات علمی مشترک، ادامه داده است». ناظران تحریم‌های کره شمالی در این گزارش، با اشاره به «شتاب قابل توجه» آزمایش‌های موشکی پیونگ‌یانگ در یک سال گذشته، آورده‌اند: «کره شمالی افزایش قابلیت‌های استقرار سریع، تحرک گسترده (از جمله در دریا) و انعطاف‌پذیری نیروهای موشکی خود را نشان داده است». ایالات متحده و تعدادی از کشورهای عضو شورای امنیت، روز جمعه در بیانیه‌ای اعلام کردند کره شمالی در ماه ژانویه ۹ موشک بالستیک پرتاب کرده که این بیشترین تعداد آزمایش‌ها در یک ماه، در طول تاریخ برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی و موشکی این کشور بوده است. براساس گزارش ناظران تحریم‌ها، «حملات سایبری، به‌ویژه به دارایی‌های به صورت ارزهای دیجیتال، همچنان منبع درآمد مهمی برای کره شمالی است» و آنها اطلاعاتی دریافت کرده‌اند مبنی بر اینکه هکرهای کره شمالی همچنان به هدف‌قراردادن مؤسسات مالی، شرکت‌های ارز دیجیتال و صرافی‌های رمزارزها ادامه می‌دهند.

اولاف شولتس امروز با جو بایدن در کاخ سفید دیدار می‌کند

مأموریت دشوار احیای اعتبار آلمان

ژوئن گذشته و زمانی که آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده در کنار آنگلا مرکل، صدراعظم وقت آلمان ایستاده بود، رابطه واشنگتن و برلین را این‌گونه توصیف کرد: «به نظر من منصفانه است که بگوییم ایالات متحده هیچ شریک و دوستی بهتر از آلمان در جهان ندارد». حدود هشت ماه از آن اظهارات خوش‌بینانه می‌گذرد و هنگامی که امروز اولاف شولتس، جانشین مرکل در اولین سفر خود به آمریکا در مقام صدراعظم آلمان با جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده دیدار کند، حرف‌های بلینکن دیگر خاطره‌ای است از گذشته‌های دور. در ماه‌های اخیر، شهرت و اعتبار آلمان در آمریکا با توجه به آنچه «موضع متزلزل برلین در قبال مسکو و پکن» تفسیر می‌شود، به‌شدت نزول کرده است.

هفته گذشته امیلی هابر، سفیر آلمان در ایالات متحده، با ارسال پیامی به برلین هشدار داد که بسیاری از سیاست‌مداران در ایالات متحده، آلمان را «شریک غیرقابل اعتماد» می‌دانند. به نوشته هابر، جمهوری‌خواهان در کنگره، آلمان را «مطیع و دنباله‌رو پوتین» می‌بینند و درباره آسیب غیرقابل جبران به اعتبار آلمان هشدار می‌دهند. بسیاری از اعضای دولت بایدن هم درمورد مواضع برلین تردید دارند، هرچند در برابر دوربین‌ها چهره‌ای متفاوت و شجاعانه از آلمان نشان می‌دهند. شرکای آلمان در اروپای شرقی این مواضع خود در قبال برلین را صریح‌تر بیان می‌کنند. هفته گذشته آرتیس پابریکس، وزیر دفاع لتونی، موضع آلمان در قبال روسیه و چین را «غیراخلاقی و ریاکارانه» خوانده بود. درحالی‌که در زمان الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، در راستای کاهش تنش‌ها، دولت باراک اوباما رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، بر رابطه منحصربه‌فرد مرکل با روسیه حساب باز کرد، اما شولتس از سوی متحدانش در دو سوی اقیانوس اطلس، به اتخاذ موضعی مبهم در قبال تحولات اوکراین متهم شده است. مخالفت با برهم‌زدن پروژه نورد استریم۲ که گاز روسیه را به آلمان می‌رساند، از جمله مهم‌ترین اختلاف‌های میان شولتس و بایدن عنوان می‌شود.

در دولت شولتس، سوسیال‌دموکرات‌ها با حزب سبز و دموکرات‌های آزاد، ائتلاف کرده‌اند و انتظار می‌رود سفر او به واشنگتن تا حدی به شفاف‌شدن سیاست خارجی این ائتلاف کم‌سابقه کمک کند. شولتس در چنین شرایطی امروز به دیدار بایدن می‌رود و مأموریت اصلی او در سفر به واشنگتن باید بازگرداندن اعتبار آلمان در غرب باشد. او به‌عنوان یک میانه‌رو حامی بهبود رابطه دو سوی اقیانوس اطلس، با پیامی روشن درباره تحریم‌های روسیه، کمک بیشتر به قابلیت‌های دفاعی ناتو و اتخاذ سیاستی مشترک در قبال چین، می‌تواند موقعیت مناسبی برای بهبود اعتبار آلمان ایجاد کند.

GettyImages

شولتس با دیدار با جو بایدن، مجموعه‌ای از سفرهای خارجی خود را در زمانی که احتمال حمله روسیه به اوکراین افزایش یافته، آغاز می‌کند. صدراعظم آلمان همچنین قرار است چند روز پس از دیدار با امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه، در ۱۴ فوریه به اوکراین و در ۱۵ فوریه به مسکو سفر کند.

آلمان تاکنون بر اهمیت رایزنی‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از افزایش تنش‌ها میان روسیه و اوکراین تأکید و از ارسال سلاح به اوکراین خودداری کرده و این موضوع باعث خشم متحدان غربی برلین شده است. شولتس همچنین به دلیل ناتوانی در حفظ وجهه عمومی خود در این بحران، با انتقادات داخلی هم مواجه شده است. گفت‌وگوها درباره بحران اوکراین در حالی ماه‌ها در قالب‌های مختلف دیپلماتیک ادامه دارد که هنوز منجر به هیچ امتیاز یا عقب‌نشینی بزرگی از سوی روسیه و ایالات متحده نشده و هنوز مشخص نیست که این سفرها و رایزنی‌ها چه تأثیری بر کاهش تنش در منطقه خواهد داشت.

جف راتکه، دیپلمات سابق آمریکایی و رئیس مؤسسه مطالعات آلمان در دانشگاه جان هاپکینز به آسوشیتدپرس می‌گوید: «مهم‌ترین موضوع مورد مذاکره میان بایدن و شولتس چگونگی ایجاد بازدارندگی در برابر روسیه است، زیرا جلوگیری از جنگ و حفظ نظم سیاسی اروپا نه تنها برای آلمان بلکه بایدن هم امری ضروری و حیاتی محسوب می‌شود».

سفر شولتس به واشنگتن در زمانی انجام می‌شود که اولین واحد از نیروهای کمکی آمریکا با هدف تقویت نظامی اعضای ناتو در اروپای شرقی برای مقابله با تهدیدهای روسیه وارد آلمان شده است. به گفته فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا در اروپا، واحد ۱۸ هوابرد وارد پایگاه نظامی ویسبادن در نزدیکی شهر فرانکفورت شده و در این پایگاه یک مقر فرماندهی برای حمایت از هزارو ۷۰۰ نیروی هوابرد که قرار است به لهستان اعزام شوند، ایجاد خواهد کرد. این واحد اولین بخش از دو هزار نیروی کمکی است که براساس تصمیم وزارت دفاع و با تأیید رئیس‌جمهوری آمریکا برای حمایت از اعضای ناتو به اروپا اعزام می‌شوند.

چالش تأمین انرژی اروپا

در چنین شرایطی شرکت «گازپروم» شرکت گاز دولتی روسیه اعلام کرد که «گرهارد شرودر» صدراعظم سابق آلمان برای پیوستن به هیئت‌مدیره این شرکت نامزد شده است. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که انتقادهای اخیر شرودر از اوکراین در جریان تنش با روسیه، انتقادهای بسیاری را متوجه صدراعظم سابق آلمان کرده است. شرودر ۷۷ساله که از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ آلمان را رهبری می‌کرد با ولادیمیر پوتین رابطه‌ای نزدیک داشت. این رهبر سابق حزب سوسیال‌دموکرات آلمان در حال حاضر و قبل از نامزدی برای حضور در هیئت‌مدیره گازپروم، ریاست کمیته سهامداران «نورداستریم» و همچنین ریاست هیئت‌مدیره «نورداستریم۲» را بر عهده دارد. احداث خط لوله «نورداستریم۲» که در سال‌های اخیر تنش زیادی میان آمریکا و آلمان ایجاد کرده، گاز روسیه را به آلمان می‌رساند و واشنگتن هشدار داده که عملی‌شدن این پروژه وابستگی اروپا به روسیه را افزایش می‌دهد. با این حال دولت بایدن از زمان روی‌کارآمدن، تحریم‌هایی که ترامپ علیه این پروژه اعمال کرده بود را معلق کرده است. اوکراین و برخی دیگر از متحدان آلمان در حوزه دریای بالتیک هم هنوز حاضر به مشارکت در این پروژه نشده‌اند.

عمده‌ترین نگرانی آلمان و تعدادی دیگر از کشورهای اروپایی در حال حاضر این است که اگر روسیه به اوکراین حمله کند و سپس مسکو صادرات گاز طبیعی را به تلافی تحریم‌های آمریکا و اروپا متوقف کند، چه اتفاقی برای تأمین انرژی اروپا می‌افتد. این تنش‌ها و نگرانی‌ها میزان گسترده وابستگی اروپا به روسیه برای انرژی را نشان می‌دهد، کشوری که حدود یک‌سوم گاز طبیعی این قاره را تأمین می‌کند.

«کونستانزه استلزنمولر» رئیس بنیاد فریتز استرن در آلمان درباره روابط دو سوی اقیانوس اطلس در آستانه دیدار بایدن و صدراعظم جدید آلمان می‌گوید: «بزرگ‌ترین هزینه‌های بازگشت تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه را برخی از کشورهای اروپایی کاملا احساس خواهند کرد و در این میان ایتالیا و آلمان بیش از دیگر کشورها متضرر خواهند شد. این تحریم‌ها پیامدهای سیاسی گسترده‌ای هم خواهد داشت. وقتی مشکل عرضه گاز ایجاد می‌شود، قیمت گاز افزایش می‌یابد، طبیعتا روس‌ها با چنین چالشی ارتباط مستقیم دارند. این روند در نهایت باعث افزایش تورم می‌شود و پوپولیست‌های اروپایی که همیشه به دنبال راه‌هایی برای استثمار هستند از این چالش‌ها استفاده می‌کنند و موقعیت خود را استحکام می‌بخشند».

استلزنمولر انتظار دارد که رهبران آلمان و ایالات متحده در دیدار خود از هر «نشانه‌ای از واگرایی و تفرقه در اتحاد» اجتناب کنند. علنی‌کردن هرگونه اختلاف در جبهه غرب می‌تواند به سود روسیه باشد که در روزهای اخیر چین را هم با خود همراه کرده است. باید انتظار داشت که بایدن و شولتس قبل از نشست خبری مشترک مطمئن شوند که اختلافی بین مواضع آنها وجود ندارد.

حذف رهبر داعش نقطه اشتراک آمریکا و روسیه در سوریه

محمود فاضلی
تحلیلگر بین‌الملل

به دنبال کشته‌شدن «ابو ابراهیم الهاشمی القرشی» رهبر داعش توسط آمریکا در سوریه، اقدامات این گروه تروریستی یک بار دیگر در سطح بین‌المللی مطرح شد. بسیاری از کشورهای جهان از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی نگران قدرت‌گرفتن دوباره داعش در سوریه و کشورهای دیگر هستند. اگرچه داعش سال ۲۰۱۷ پس از چهار سال عملیات تروریستی گسترده در سوریه و عراق و اشغال بخش‌های عمده از این دو کشور متلاشی شد و شکست خورد، اما با این وجود هنوز بقایای آن در عراق و سوریه اقدام به انجام عملیات علیه غیرنظامیان و نیروهای امنیتی می‌کنند.

گروه داعش در پی ازدست‌دادن آخرین پایگاه‌های خود در منطقه باغوز واقع در حومه شرقی دیرالزور در مرزهای سوریه و عراق در مارس ۲۰۱۹ و با توجه به تغییرات به‌وجودآمده ازجمله ازدست‌دادن بسیاری از رهبران و نیروهای خود، محدودشدن توانایی‌های مالی، ازدست‌دادن تجهیزات سنگین و کاهش توانایی جذب عناصر جدید برای جبران خسارت‌های انسانی، استراتژی جنگی خود را تغییر داد. این گروه تلاش می‌کند که بیابان‌های شام واقع در غرب فرات در حومه دیرالزور را به‌عنوان مرکزی برای سازمان‌دهی عناصر خود قرار دهد زیرا این مناطق به دلیل جنگ داخلی موجود در سوریه از امنیت کافی برخوردار نیستند.

با کشته‌شدن رهبر داعش، عراق اعلام کرد که رهبر داعش توسط دستگاه امنیت ملی این کشور شناسایی و در اختیار ائتلاف بین‌المللی قرار گرفت که به پیداکردن مخفیگاه و کشتن او انجامید. به گفته نخست‌وزیر عراق، کشته‌شدن سرکرده داعش در ادامه تلاش‌های نیروهای امنیتی عراق در همه اشکال آن انجام شد. این اقدام با کشته‌شدن ده‌ها نفر از سرکردگان و عناصر تروریستی و دستگیری صدها نفر از آنها و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعاتی بود که منجر به ویرانی لانه رئیس فاسد این سازمان تروریستی شد.

طبق شواهد موجود، آمریکا برای برنامه‌ریزی جهت عملیات شمال غرب سوریه برای کشتن رهبر داعش از قبل با نیروهای روسیه هماهنگ کرده بود. روسیه در واکنش به کشته‌شدن رهبر داعش توسط آمریکا در سوریه مدعی است این کشور نقش سرنوشت‌سازی در ازبین‌بردن کانون تروریسم بین‌المللی در خاک سوریه داشت. مسکو از تلاش‌های کشورهای دیگر از جمله اعضای ائتلاف آمریکا برای مبارزه با تروریسم حمایت کرده و آماده همکاری با تمام کشورها برای مقابله با این خطر مشترک است. به باور روسیه مخفی‌شدن رهبر داعش در ادلب دلیل دیگری برای این مسئله است که این منطقه که تحت سیطره نیروهای دولتی سوریه نیست همچنان از سوی تروریست‌ها به‌عنوان یک پناهگاه امن استفاده می‌شود. این نشان می‌دهد که باید در سریع‌ترین زمان ممکن مخفیگاه تروریست‌ها در ادلب براساس توافقی که با ترکیه در این باره وجود دارد از بین برود چراکه ادامه وضعیت کنونی به نفع گروه‌های تروریستی است. تنها راه برای تضمین امنیت در سوریه این است که دولت این کشور کنترل تمام خاک سوریه را در دست بگیرد.

درست سه سال پس از اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا اعلام کرد «جنگ با داعش با پیروزی به پایان رسیده است»، گروه تروریستی داعش با یک حمله گسترده دوباره در شرق فرات ظاهر شد. داعش در حملات اخیر خود با بمب‌گذاران انتحاری آغاز و به زندان الحسکه در شمال شرق سوریه شبیخون زد. زندانی که هزاران داعشی در آنجا نگهداری می‌شدند را آزاد کرد. این درگیری‌ها حدود یک هفته به طول انجامید و حدود ۳۵۰ نفر از نیروهای داعش به هلاکت رسیدند. گروهی معتقدند این حمله پیروزی استراتژیک برای داعش بود. نه‌تنها از منظر تبلیغاتی، بلکه عمدتا به این دلیل که بسیاری از نیروهای با تجربه فنی و تشکیلاتی لازم آزاد شدند. آنها بیشتر به صحرای بادیه در شرق سوریه رفتند. این مرکز، مرکزی است که اعضای داعش برای تبادل دانش و تخصص گرد هم می‌آیند.

حمله داعش می‌تواند به فعالیت‌ها در زمینه راه‌حل سیاسی برای سوریه که اخیرا آغاز شده است، ضربه بزند. حمله اخیر داعش برای آنکارا که مدام مدعی است پ.ی.د/ی.پ.گ شاخه گروه پ.ک.ک در سوریه است، فرصتی را ایجاد کرد تا دوباره خطرات و زیان‌های تشکل موجود در شرق فرات را در دستور کار قرار دهد. دولت ترکیه اعتقاد دارد با همکاری با تشکلی که خود نیز از تروریسم تغذیه می‌کنند، در سوریه ثبات برقرار نخواهد شد.

بر اساس گزارش‌های سازمان ملل در فوریه ۲۰۲۱، حدود ۱۰ هزار نفر از عناصر داعش در سوریه و عراق فعالیت دارند، علاوه بر این نیز تعدادی از عناصر داعشی در آفریقا، افغانستان، لیبی، سومالی و جنوب شرق آسیا پراکنده هستند. حدود ۱۲ هزار تروریست داعشی هنوز در زندان‌هایی در منطقه تحت کنترل گروه پ.ی.د/ی.پ.گ نگهداری می‌شوند. زندانیان داعشی که از اتباع حدود ۵۰ کشور هستند، عمدتا سوری و عراقی هستند و در چنین شرایطی کشورهای اروپایی ترجیح می‌دهند به جای بازپس‌گیری، محاکمه و نگهداری اتباع داعشی خود این وظیفه را بر عهده دیگران بگذارند.

در حوالی میدان سرخ

چرا روسیه و چین هم‌گرایی دارند؟

احمد وخشیته
استادیار دانشگاه دوستی ملل روسیه

● روس‌ها ضرب‌المثلی دارند که هر طور سال نو را جشن بگیری؛ همان‌گونه آن سال را سپری خواهی کرد، شاید از همین رو بود که ولادیمیر پوتین ترجیح داد در هفته نخست سال نو چینی، درست در بحبوحه بحران اوکراین به پکن سفر کند تا ۱۶ سند همکاری میان دو کشور امضا شود؛ از جمله قرارداد ۱۰ساله دیگری برای تأمین گاز چین هم‌زمان با وخیم‌شدن روابط روسیه با غرب. به نظر می‌رسد این رویکرد را به نحوی دیگر نیز می‌توان در یادداشت پوتین که یک روز پیش از سفرش به پکن در خبرگزاری شینهوا منتشر شد نیز جست‌وجو کرد؛ آنجا که او اشاره می‌کند که به قول چینی‌ها، برنامه سال خود را باید در بهار تنظیم کرد و از این رو دیدار با شی جین‌پینگ در این زمان [سال نو چینی] نمادین است و قرار است به طور کامل درباره موضوعات کلیدی گفت‌وگو کنیم.

روابط روسیه و چین از دوران تزاری تا امروز

اگر سری به پیشینه تاریخی روابط دیپلماتیک به طور رسمی میان روسیه و چین بزنیم، به حدود چهارصد سال پیش یعنی زمان ایوان مخوف می‌رسیم؛ روابطی که از همان دوران میان روسیه تزاری و امپراتوری مینگ، فرازونشیب‌هایی را تجربه کرد. گاهی مانند زمان الکساندر دوم که دولت مرکزی چین به دنبال جنگ دوم تریاک تضعیف شده بود، روسیه در سال ۱۸۵۸ بخش قابل‌توجهی از منطقه منچوری را از آن خود کرد و گاهی مانند دوران نیکولای دوم که ژاپن تهدید مشترک بود، این روابط به شکوفایی رسید.

گاهی این روابط میان سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۴ در زمان شوروی به واسطه کودتای کانتون قطع شد و در برهه‌ای از زمان میان سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ شاهد نقش شوروی در به‌قدرت‌رسیدن مائو هستیم که نهایتا در اکتبر ۱۹۴۹ این شوروی است که یک روز پس از تأسیس جمهوری خلق چین به‌عنوان نخستین کشور آن را به رسمیت می‌شناسد. روابطی که بار دیگر در دوران خروشچف به واگرایی می‌رود و از سال ۱۹۶۴ بار دیگر به طور کامل قطع می‌شود و حتی دو کشور در سال ۱۹۶۹ یک درگیری مرزی را نیز تجربه می‌کنند. اما دهه پایانی عمر شوروی بار دیگر روابط به سمت هم‌گرایی پیش می‌رود؛ گورباچف در سال ۱۹۸۹ برای ترمیم روابط به پکن می‌رود و در دیدار با دنگ شیائوپینگ تأکید می‌کند که ما باید بدون درگیری‌شدن درمورد اختلافات ایدئولوژیک با توجه به روندی که در شوروی وجود دارد، با آرامش به توسعه روابط بیندیشیم.

نکته جالب اینجاست که در پاسخ به سفر گورباچف، هیئت چینی ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ وارد مسکو می‌شود که اگر سری به خاطرات تیان زنگ پی بزنیم، نوشته است که عصر آن روز در هتل اقامت داشتیم که از تلویزیون مشاهده کردیم گورباچوف متن استعفا را خواند و شوروی فروپاشید. هیئت چینی با شیائوپینگ گفت‌وگویی می‌کند و در ۲۷ دسامبر با الکساندر شوخین، معاون نخست‌وزیر دیدار می‌کند و از اعلام آمادگی چین برای به‌رسمیت‌شناختن روسیه در شورای امنیت سازمان ملل خبر می‌دهد تا عصر همان روز معاون جدید وزارت خارجه روسیه در ضیافت شامی یک پروتکل شش‌بندی درخصوص تنظیم روابط مسکو و پکن پیشنهاد کند. روابطی که با سفر بوریس یلتسین به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهوری روسیه در سال ۱۹۹۲ به پکن گرم‌تر شد و با به‌قدرت‌رسیدن پوتین به واسطه ابتکار عمل جیانگ زمین در توافق جولای ۲۰۰۱ مستحکم شد.

تهدید مشترک؛ عامل هم‌گرایی

اگرچه روسیه و چین در تاریخ روابط خود همواره اختلافات مرزی و رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک وجود داشته که سبب سردی و حتی قطع روابط شده است اما همیشه وجود یک دشمن یا تهدید مشترک آنها را به هم‌گرایی رسانده است و این موضوع را فهم کرده‌اند که با توجه به رویکردشان در نظم منطقه‌ای و جهانی، هرگاه میان آنها اختلاف وجود داشته از سوی کشور یا قدرت سومی منافعشان مورد تهدید جدی قرار گرفته است. از همین رو طی یک دهه اخیر که از یک سو سیاستِ گذار به شرق ایالات متحده برای مهار چین بسیار پررنگ شده و از سویی دیگر تقابل روسیه با غرب در مرزهای غربی‌اش به‌ویژه اوکراین جدی شده است، همکاری‌های مسکو و پکن تا حدی تعمیق یافت که تراز تجاری آنها در سال ۲۰۲۱ با وجود اپیدمی کرونا با ۳۵.۸ درصد افزایش به بیش از ۱۴۶ میلیارد دلار رسید.
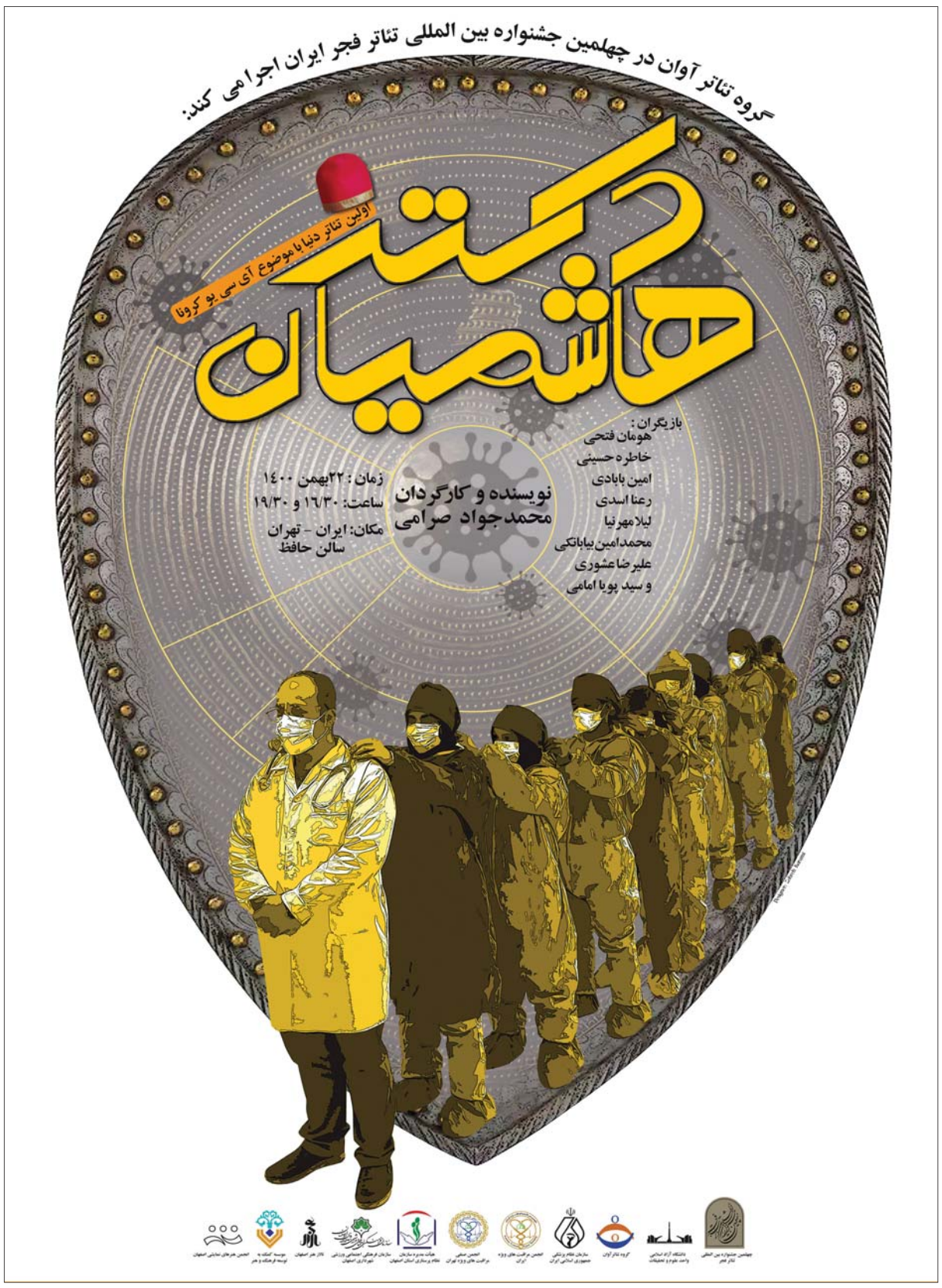
واقعیت این است که مسکو و پکن نیز در موضوعات گوناگونی مانند قطب شمال با یکدیگر اختلافات بسیار جدی دارند یا در موارد منطقه‌ای مانند قزاقستان در اوراسیا یا ایران در خاورمیانه رقابت جدی را برای کسب منافع حداکثری دنبال می‌کنند اما تجربه تاریخی به آنها آموخته که تنها در ائتلاف قدرتمند هستند و از این رو تعارض منافعشان را به صورت نهفته دنبال کنند.